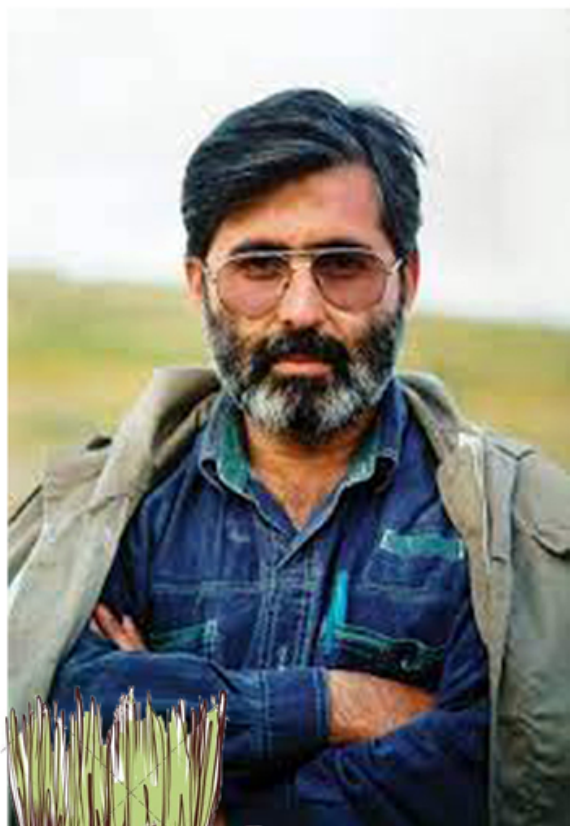


نشریه

سما



با بهاران روزی نو می‌رسد و
ما همچنان چشم به راه
روزگاری نو. اکنون که جهان
و جهانیان مرده‌اند، آیا وقت
آن نرسیده است که مسیحای
موعود سر رسد؟ **ویحی الارض**
بعد موتها





اعطای یارانه تحصیلی یا پته‌ای شدن آموزش؟

موضوع مطرح شده توسط ریاست جمهوری، دارای ابهامات زیادی است. به گفته بسیاری از کارشناسان تعلیم و تربیت، طرح اعطای یارانه آموزشی، همان پته سازی آموزش است. بدین معنا که دولت به جای پرداخت سرانه آموزشی به آموزش و پرورش، به ازای کدملی هر دانش آموز مبلغی مشخص به مدرسه ثبت نام شده واریز می‌کند. به این صورت که به ازای هر دانش آموز، کوپن تهیه شده و دانش آموز کوپن را در اختیار مدرسه‌ای که در آن ثبت نام می‌کند می‌دهد. مدیر مدارس، با جمع آوری کوپن‌ها، آن‌ها را تبدیل به بودجه‌ای برای مدرسه خود می‌کند.

لازم به ذکر است که طرح کوپنی کردن آموزش، نخستین بار توسط میلتن فریدمن، اقتصاد دان بازارگرایی آمریکایی مطرح شده است؛ که به ازای آن آموزش از طریق یک بازار خصوصی که توسط کوپن‌ها تسهیل می‌گردد ارتقای کیفیت می‌کند.

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعلنا من المتمسكين بولايه امير المؤمنين
علي ابن ابي طالب(ع)

در یکی دو ماه اخیر کمتر دانشجو معلمی هست که عنوان پته‌ای شدن آموزش به گوشش نرسیده باشد. در این فصلنامه نشریه سما، به بررسی و توضیح این طرح می‌پردازیم تا ان شاءالله با آگاهی از کلیات طرح، در آینده با دعوت از موافقان و مخالفان طرح، نسبت به جزئیات اطلاعات بیشتری کسب کنیم.

در تاریخ ۱۵ دی ماه سال ۱۴۰۱ سندی با عنوان "سند انتظار دولت از آموزش و پرورش و اولویت های تحولی توسط رئیس‌جمهور" از جانب رئیس‌جمهور به وزارت آ و پ ابلاغ گردید. در بند ۶ این سند، می‌خوانیم:

«افزایش اختیار خانواده در مدیریت اعتبار تعلیم و تربیت در راستای تحقق عدالت تربیتی و نصیب آموزشی برابر و ارتقای بهره‌وری منابع از طریق طراحی و اجرای تدریجی الگوی اعطای هدفمند اعتبارات تحصیل هر دانش آموز در حال تحصیل در مدارس دولتی به خانواده بر اساس شماره ملی دانش آموز و متناسب با بهای تمام شده تحصیل به تفکیک مقطع و رشته تحصیلی و با لحاظ شاخص‌هایی نظیر رتبه مدرسه، بعد خانوار، میزان برخورداری منطقه محل زندگی و استعداد و نیاز دانش آموز، و امکان پرداخت نهایی دولت به مدرسه مورد انتخاب خانواده در قالب احراز هویت الکترونیکی دانش آموز با تاکید بر حفظ انسجام برنامه درسی و رعایت استانداردهای وزارت آ و پ با همکاری سازمان برنامه و بودجه کشور و اجرای آزمایشی آن از ابتدای سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲»



پی نوشت:

«دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.» اصل ۳۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

. به زبان ساده تر، مدرسه مانند کالایی شده، که دانش آموزان یا خانواده، با انتخاب مدرسه بهتر، سبب رشد و ارتقای بیشتر آن مدرسه می شود برای مثال، مدرسه همانند رستورانی خواهد بود که هرچه مشتری (دانش آموز) رضایت بیشتری داشته باشد و استقبال بیشتری از این مدرسه شود، سرانه بیشتری به این مدرسه اختصاص پیدا خواهد کرد!

این بین مسئله ای که هست، کالایی شدن آموزش است، پته ای سازی آموزش راهی برای کالایی شدن آموزش است...

ما به جای قدم گذاشتن در مسیری که کالایی شدن آ و پ را کاهش دهد و مدارس خصوصی را کنترل کند، با اجرای این طرح به گسترش مدارس خصوصی و نابرابری آموزشی در جامعه دامن خواهیم زد! دقیقاً در تعارض با اصل ۳۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

زن ایرانی سوار بر قطار تاریخ

«من عاشق باسواد شدن بودم مادر جان، اما اون دوران، دختر از وقتی که هنوز دهنش بوی شیر می داد باید توی خونه ی پدرش کار می کرد تا ۱۴-۱۵ سالش بشه و بره خونه ی شوهرش کار کنه، آخه هم وضع اقتصادی خانواده ها جوری بود که ما دخترا هم باید کار می کردیم، هم مردم درس خوندن دختر رو بد می دونستن. اگه کسی دختر خان بود و پدرش هم با درس خوندن بچه هاش مخالف نبود، می رفت و سواد یاد می گرفت، که اونم یک در هزار اتفاق می افتاد.

بیشتر مردم مخالف درس خوندن دخترها بودند و می گفتن دختر و چه به درس خوندن! دختر باید فقط کدبانوگری یاد بگیره تا وقتی که رفت خونه ی شوهرش، بتونه گلیم زندگیشو از آب بکشه بیرون.» به این قسمت صحبت هایش که رسید، با دست های چروکیده و رنج دیده اش شروع کرد به نوازش زانوهایش و حلقه ای باریک و محو از اشک در چشمانش نشست.



آ مچنین طبق گزارش انجمن جهانی اقتصاد، جمهوری اسلامی ایران در عدالت آموزشی، بین دختر و پسر، مقام اول جهان را کسب کرده است. فارغ از کسب علم، شاید برایتان جالب باشد که بدانید زنان ایرانی در قبل از انقلاب اسلامی از مراجعات ضروری خود در حوزه‌ی بیماری‌های زنان به دلیل کمبود بانوی متخصص زنان در کشور، از رفتن نزد پزشک امتناع می‌کردند، که این امر گاهی منجر به در معرض خطر افتادن جان‌شان می‌شد، اما حالا ۹۸ درصد پزشکان متخصص زنان و زایمان، زن هستند و مرگومیر مادران به هنگام زایمانشان کاهش ۹۰ درصدی داشته است. زنان ایرانی که در روزگاری، در هیچ عرصه‌ای حق دخالت نداشتند و منزلت‌شان توسط صدرنشینان مملکت، در حد ابزاری برای رفع نیازهای جنسی کاهش می‌یافت، حالا طبق اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در همه ی صحنه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاضر هستند و حتی خود برای کشورشان قانون‌گذاری می‌کنند. آن‌ها همچنین در عرصه‌های فرهنگی و هنری، پیش‌تاز هم شده‌اند.

مادر بزرگم بعد از هفتاد و اندی سال زندگی، هنوز حسرت تحصیل در دلش زبانه می‌کشد و هرگاه موعِد به مدرسه و دانشگاه رفتن نوه‌هایش می‌شود، با شوق و ذوق به تحصیل تشویق‌شان می‌کند و بعد به آه‌های از سر حسرت‌اش پناه می‌برد. وقتی دیدگاه افراد تأثیرگذار یک حکومت به زن سخیف و زبون باشد، این گونه حسرت‌ها تنها رفیقِ شفیق تمام عمر زن ایرانی آن روزگار می‌شود. چنانکه محمدرضا پهلوی در مصاحبه با خانم اوریانا فالاچی، خبرنگار ایتالیایی، در سال ۱۳۵۲ در مورد زن ایرانی می‌گوید: «در زندگی یک فرد، زن به حساب نمی‌آید، مگر وقتی که زیبا و دلربا باشد و خصوصیات زنانه‌ی خود را حفظ کرده باشد.» امام خمینی (ره) اما، چون رسولی بود که برای جامعه‌ی جهالت‌زده‌ی آن روزها مبعوث شد. او بارانی بود که بر درخت آرزوهای زنان ایرانی بارید و آنها را اندکان‌دک از چنگال ظلم و نگاه ابزاری رها کرد. امام آمد و نور تابید و ظالم برای همیشه غروب کرد. زنان ایرانی بعد از آمدن امام، حرف‌های تازه ای می‌شنیدند. او می‌گفت: «یک زن، انسانی بزرگ است. زن، مربی جامعه است. از دامن زن، انسان‌ها پدید می‌آیند.» و این نگاه بود که زن را ارج می‌نهاد و خونی بدیع در رگ‌های جامعه جریان می‌داد. آمارها بیان می‌کنند که میزان بی‌سوادی زنان ایرانی از ۵۰ تا ۶۰ درصد در سال ۱۳۵۴ به کمتر از ۱۰ درصد در سال ۱۳۸۹ کاهش یافته است.

طبق گزارشی از نیویورک تایمز، با عنوان «رُمان نویسان زن ایرانی، ستارگان ایران» آمده است: «تعداد زنان نویسندگان در ایران، در طول دهه‌ی گذشته، 13 برابر شده است و تقریباً برابر با تعداد امروز مردان است. چاپ برخی از کتاب‌های زنان به بیش از 100 هزار نسخه رسیده است. انقلاب اسلامی سال 1979 نقطه عطفی برای زنان ایرانی در تمام طیف‌ها بوده است».

ما زنان ایرانی حالا با کوله‌باری که از حسرت‌ها و آرزوهای به‌بارننشسته‌ی مادر بزرگ‌هایمان سنگین شده، عزم قدم گذاشتن در راهی کردیم که اگرچه پُر است از سنگلاخ تزویر رسانه‌ها و گاهی تاریک است به سیاهی عناد، اما ما با چراغی روشن به نور امید و گام‌هایی به استواری دماوند، به پیش می‌رویم و برای تحقق ایرانی سربلند از پا نمی‌نشینیم.



مریم کوچکی‌نژاد دانش‌آموخته دانشگاه صنعتی شریف در میان ۴۰ استاد برتر جوان زیر چهل سال در دنیا در رشته مدیریت انتخاب شد.

سفر به دیار عاشقان

رسیدیم به دو کوه، به محل سجده‌های عاشقانه‌ی عاشقان الهی، به محل گریه‌های عارفانه شیفتگان راه حقیقت، و چه قدر زیباست رکوع و سجود در این مکان مقدس ... یادمان شهدای فتح المبین و شهید باقری. زیباست قدم زدن و نفس کشیدن در جایی که پهلوانان خدایی در آن قدم زدند و نفس کشیدند، عشق از ذره ذره خاک این سرزمین‌ها لبریز است، صدای ذکر یاران خدا با گذشت این همه سال، باز هم واضح و خوش‌نوا به گوش می‌رسد. یک روز دیگر آغاز شد، هوای خرمشهر ابریست، خرمشهر هم دلش تنگ کسی است که در جشن تولدش حضور ندارد. آقای شهدا، مهدی فاطمه، دل تنگیم، هوای بارانی دل ما کم از هوای بارانی شهر خرم نیست، یوسف زهرا، بوی پیراهنت اگر نبود، ما یعقوب‌ها در کوردلی می‌ماندیم. طلاییه، محلّ عروج شهیدان باکری، محلّ صحبت‌های خرازی و خدا، جایی که خرازی انجام تکلیف را به شهادت ترجیح داد، آری اینجا طلاییه است، تکه تکه خاک آن باران گلوله و توپ را پذیرا بوده رفاقتی دارم با تو ای طلاییه.

از خانواده جدا شدم، وسایلم را برداشتم و آمدم، آمدم تا زائر برادرانی باشم که نه مرا دیده‌اند و نه من آن‌ها را دیده‌ام، اما از هر آشنایی برایم آشناترند، آمدم تا فرسخ‌ها را بپیمایم و دست بر خاکی زنم که بوی خون از ذره ذره آن به مشام می‌رسد. ای هدیه‌های الهی، خاک، خاک است، زمانی ارزش مییابد که فردی قدم بر آن نهد که ارزشمند باشد، بوی شما از همین فاصله به مشام می‌رسد، بی‌صبرانه مشتاق عاشقانه‌های خاک و خون هستم. درون ماشین نشستم، و باز هم عطر شهادت فضا را خوش‌بو ساخته. ای مردان خدایی، مشتاقم تا جبین خویش را بر خاک مقدس کربلای ایران گذارم ...

نزدیکیم، بسیار نزدیک، بوی طلاییه، شلمچه و بوی بهشت‌هایی که گل‌های سرخ آن از خون سیرابند را حس می‌کنم، خدا را شاکرم که اجازه داد قدم‌های ناچیزم را بر روی سرزمینی گذارم که شما ب آن قدم مبارک خوش را گذاشته‌اید.



شلمچه تو عاشقانه‌های زهرا و شهدایی،
شلمچه سفرم با تو به پایان رسید
و من با تو و خاک تو آن قدر مأنوس شدم
که دیگر دلم نرمی و گرمی خانه را نمی
خواهد. شلمچه به امید دیدار مجدد، ان
شاءالله باز هم تو محل وصال عاشق و
معشوق باشی.

برمی‌گردم، اما قصه تمامی ندارد، می‌آیم
تا معلمی باشم انسان‌ساز، درس دادن را که
همه بلدند، زیباست که هم‌ت‌ها و باکری
ها و باقری‌ها را بسازی،
و ای خدای آسمان‌ها، ای که تمام منی،
مرا خواندی، پس راه را نشانم بده.

اروند، تو را وحشی می‌خوانند، تو را لعنت می
کنند عده‌ای، می‌گویند تو چشم جوانان
عاشق را بلعیده‌ای، اما مادری تو را نفرین نمی
کند، می‌گوید مزار فرزندش هستی، دلتنگ
که می‌شود دست خویش را درون آب خروشان
تو می‌کند و با فرزند دل‌بندش چند کلمه‌ای
لب می‌زند، آری اروند من تو را نفرین نمی
کنم، تو وصال عاشق و معشوق بوده‌ای، تو روح
پاک شهدای شیفته را به وصال پروردگار
رساندی.

شلمچه، ای نورتر از نور، می‌گویند تو محل
تبرک بال ملائک هستی، خاک تو خاک نیست،
خاک تو چشم و دل جوانان بهشتی است، آری،
شلمچه به خود ببال تو قطعه‌ای از بهشت
هستی، شنیده‌ام مادرم زهرا گاهی گمنامان
که نه، خوش‌نام‌ها را دور خود جمع می‌کند
و برایشان سخن می‌گوید،

یا اینکه تأثیر کمی در رشد روحی و معنوی ما داشته باشد. اهمیت ویژه و آثار قیمتی انتظار ارزش تعریف مفهوم انتظار و

لزوم شناسایی عناصر آن را بیش از پیش روشن میکند. کتاب در چهار فصل اصلی (انتظار عامیانه انتظار عالمانه، انتظار عارفانه و جوانی و انتظار) تدوین شده است. در پی مطالعه این کتاب با مفهوم انتظار، انواع انتظار، اشتیاق و علاقه به منجی، آشنایی با وضع موجود و مطلوب، فرق بین انتظار فرج و انتظار وصال، آرمانگرایی و جامعگرایی جوان و همچنین بسیاری از مطالب ارزنده دیگر آشنا می‌شویم. گرچه کتابهای ارزشمند و فراوانی در باب مهدویت و انتظار نگاشته شده است، اما تجزیه و تحلیل سازنده‌ترین مفهوم در زمینه مهدویت، که همان «انتظار فرج» است، کمتر مورد گفت و گوی عالمانه قرار گرفته است. نویسندگان در این کتاب با توجه توأمان به مفهوم انتظار در شبکه معارف دینی و مباحث انسان‌شناسانه، مباحثی استدلالی و کاربردی بر پایه معارف اهل بیت (ع) ارائه داده است.

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی

دانشگاه فرهنگیان قزوین

مدیر مسئول: فاطمه جهانی

سردبیر: راضیه مولایی-مریم موسوی

نویسندگان: فاطمه جهانی، فاطمه

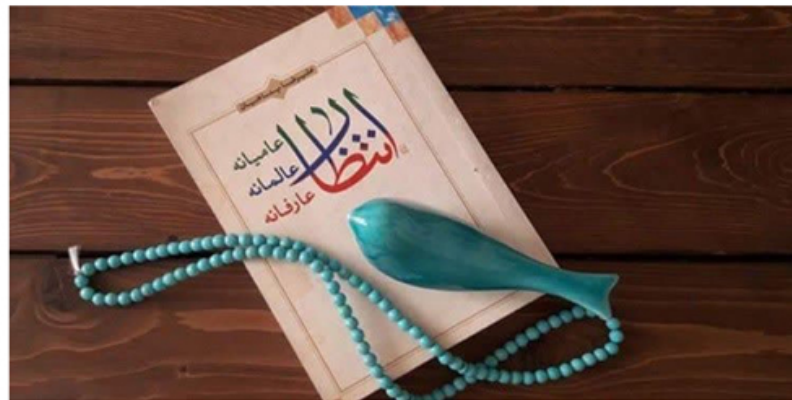
اکرار رضائی، یلدا افتخاری، فاطمه

رحمانی، آناهیتا اسفندیاری

ویراستار: معصومه رحمانی

طراح جلد و صفحه آرا: مریم

موسوی



معرفی کتاب:

انتظار عامیانه، عالمانه، عارفانه؛

کتاب حاضر با بررسی مفهوم انتظار، سه رویکرد متفاوت به این مفهوم را مورد بررسی قرار می‌دهد؛ نگاه عامیانه، نگاه عالمانه، نگاه عارفانه. در بخش انتهایی کتاب نیز به تناسب مفهوم انتظار با جوانی و ویژگی‌های جوانی پرداخته شده است. انتظار، احساسی مربوط به زمان آینده و یک وضعیت بهتر است؛ بنابراین هر چه قدر تصور روشن‌تری از وضع مطلوب داشته باشیم، انتظارمان بیشتر خواهد بود. کسی که از وضع مطلوب بی‌اطلاع است، منتظر چه وضعیتی است؟ کسانی که از ظلم ناراحتند، آیا هیچ تصور روشنی از عدالت ندارند، معلوم نیست اساساً چه قدر عدالت را می‌پسندند و می‌پذیرند؛ و چه قدر حاضرند در جامعه‌ای با حاکمیت عدالت زندگی کنند. این یک نگاه عامیانه است که «ما منتظر منجی باشیم، اما مقدماتی را برای آن لازم ندانیم. این یک نگاه عامیانه است که «درکی از ساز و کار نجاتبخش منجی نداشته باشیم. این یک نگاه عامیانه است که «چگونگی تداوم حاکمیت منجی و رموز بقای آن را ندانیم.» و موارد دیگری که ندانستن هر یک از آنها ما را به نگاه عامیانه نزدیک میکند. کمترین زیان این نگاه این است که تکلیف ما را برای یاری او و مقدمه‌سازی برای قیام او معلوم نمیکند. باید به مطالعه مهدویت اهتمام بورزیم؛ زیرا یقیناً «انتظاری که رسول خدا آن را با فضیلت‌ترین اعمال امت خود» دانسته است، نمیتواند مسأله‌های فرعی، ناچیز و کم اهمیت باشد